



صفحه‌ای از یک مصحف به خط یاقوت مستعصمی، بدون تاریخ، محفوظ در کتابخانه تویقاپوسرای استانبول، مقطع تغییر دوره سوم به چهارم در قلم نسخ. صفات دوره چهارم نیز در این اثر مشخص است، مأخذ: Lings: 2004: 38



دوره‌بندی تاریخ قلم‌های کتابت در منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی

مهدی صحراگرد*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۵

چکیده

دوره‌بندی عبارت است از تقسیم زمان به واحدهایی کوچک که در هر بخش از جهتی یکسانی و یکنواختی برقرار باشد. اکثر مورخان تاریخ خوشنویسی ایران را بر مبنای ادوار سیاسی یا گاه‌شماری طبقه‌بندی کرده‌اند. اما این روش‌ها به‌رغم فوایدی که دارند با تغییر و تحولات خوشنویسی منطبق نیستند. بنابراین به طریحی برای دوره‌بندی نیازمندیم که هم منطبق با تحولات خوشنویسی باشد و هم از مبانی بومی این سرزمین برآمده باشد. برای این منظور در این نوشتار گزارش‌های تاریخی ضبط شده در رسالات، تذکره‌ها و دیباچه‌های فارسی خوشنویسی بررسی و ویژگی‌های یکی از روش‌های دوره‌بندی مشترک آنها که به تاریخ قلم‌های کتابت اختصاص دارد به روش توصیفی و تحلیل مایگانی در قالب چند سوال به این شرح مطالعه شد: در منابع درجه اول کدام طرح دوره‌بندی برای روایت تاریخ قلم‌های خوشنویسی بیشتر به کار رفته است؟ دوره‌های این طرح متأثر از چه عامل یا عواملی تغییر می‌کند؟ خصوصیات اصلی هر دوره چیست؟ نقاط قوت و ضعف این طرح چیست؟ مرجع این روش دوره‌بندی تصرفات اعمال شده برخی خوشنویسان در شیوه پیش از خود است. در پایان این بررسی مشخص شد در این طرح دوره‌بندی اولاً مقطع دوره‌های تاریخی برای هر قلم بر مبنای زمان فعالیت خوشنویسان برجسته‌ای است که ابداعاتشان به هنجار غالب آن عصر درآمده است. ثانیاً این طرح از نوع طرح‌های دوره‌بندی بر مبنای سبک دوره است زیرا نتیجه ابداعات خوشنویسان در صورت خط قابل مشاهده و پیگیری است. ثالثاً این طرح برای دوره‌بندی همه اقلام خوشنویسی قابل استفاده است، چه قلم‌هایی که تاریخ تحول و خوشنویسان برجسته‌شان شناخته شده است - مانند نستعلیق - و چه آنها که اطلاعات درباره تاریخ و خوشنویسانشان محدود است - مانند کوفی. البته در این طرح همیشه هنجار غالب هر عصر ملاک دوره‌بندی است بنابراین در روایت تاریخ بر مبنای آن نباید از هنجارها، سبک‌ها و مکاتب فرعی که همسو با آن نیستند غافل شد.

واژگان کلیدی

تاریخ خوشنویسی، دوره‌بندی، طبقه‌بندی تاریخ هنر، منابع درجه اول.

*استادیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر مشهد، استان خراسان رضوی.

Email: m.sahragard@mshdiau.ac.ir

مقدمه

تاریخ روند مستمر و پیوسته رویدادهاست اما به مانند هر علم دیگر برای اینکه قابلیت بررسی و مطالعه بیابد لازم است طبقه‌بندی شود. با طبقه‌بندی می‌توان با اجزای هر علم ارتباط یافت و آنها را ارزیابی کرد. در تاریخ هنر روش‌هایی مختلف برای طبقه‌بندی وجود دارد، روش‌هایی که هر یک بر یکی از جنبه‌های آفرینش هنری متکی است. برخی روش‌ها مانند طبقه‌بندی بر مبنای سبک و گونه بر صورت اثر هنری استوار است و برخی مانند مکاتب، و تاریخ سیره‌ای بر هنرمند و نقشش در آفرینش هنری.

دوره‌بندی یکی از روش‌های طبقه‌بندی تاریخ هنر است که در بین تاریخ‌نگاران رواجی چشمگیر دارد. در این روش انبوه رویدادهای هنری را بر مبنای زمان به دوره‌هایی کوچک تقسیم می‌کنند به طوری که در هر دوره از جهتی یکسانی و یکنواختی برقرار باشد. از میان انواع روش‌های دوره‌بندی، دوره‌بندی گاه‌شمارانه، مبتنی بر توالی سال‌ها، سده‌ها و هزاره‌ها به مبنای نظری نیازمند نیست اما روش‌های دیگر مثل دوره‌بندی ماهوی و تکاملی به اعتبار یا مرجعی ویژه نیازمند است. مرجع دوره‌بندی در تاریخ هنر عوامل مختلفی می‌تواند باشد، از عوامل بیرون از ساز و کار آفرینش هنری مانند رویدادهای سیاسی و روح زمان تا عاملی درونی مانند سبک.

محققان تاریخ خوشنویسی ایران را اغلب بر مبنای عوامل غیرمرتبط به خوشنویسی دوره‌بندی کرده‌اند. رایج‌ترین صورت آن دوره‌بندی بر مبنای تحولات سیاسی است. طبقه‌بندی تاریخ خوشنویسی بر مبنای ادوار سیاسی، از غزنویان تا قاجاریان^۱، اگرچه در شناخت تأثیر تحولات سیاسی و نقش حامیان مؤثر است، امکان فهم جوانب دیگر تاریخ خوشنویسی را کمتر مهیا می‌کند. همچنین در تحقیقاتی که از ادوار فرهنگی اروپا برای دوره‌بندی تاریخ خوشنویسی استفاده کرده‌اند رابطهٔ سیاق تاریخی و شکوفایی و افول خوشنویسی ممکن است مغفول بماند. از این رو، لازم است برای روایت تاریخ خوشنویسی روش‌های دوره‌بندی دیگری را آزمود که اولاً تطابق بیشتری با تحولات خوشنویسی داشته باشد تا بتوان روایت دقیق‌تری از تاریخ عرضه کرد و ثانیاً از مبنای تاریخ‌نگاری ایران برآید تا در مطالعهٔ رابطهٔ خوشنویسی و سیاق تاریخی کارآمد باشد. اما چنین روشی را از کجا باید جست؟

گفتیم دوره‌بندی امری اعتباری است یعنی در عالم خارج وجود ندارد بلکه حاصل ذهن مورخ است و به تاریخ درجه دو تاریخ چون گزارش مربوط است؛ پس انوعی از آن را در گزارش‌های تاریخی می‌توان یافت. از سوی دیگر، خوشنویسان و اهالی فرهنگ در گذشته آداب و قواعد کتابت را در قالب رسالات و آداب‌نامه‌های مشق فارسی گرد آورده‌اند که لابلای آنها گزارش‌های تاریخی

نیز وجود دارد. بنابراین با مطالعهٔ دقیق این متون، که آنها را منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی می‌خوانیم، می‌توان روش‌ها و طرح‌هایی از دوره‌بندی یافت که هم منطبق با مبنای فرهنگی قدیم ایران باشد، زیرا بر طبق الگوهای تاریخ‌نگاری متون است و هم مطابق با قواعد و اصول خوشنویسی، زیرا بنیاد آن متون بر توضیح و توصیف قواعد خوشنویسی استوار است. به همین منظور این نوشتار به تبیین یکی از طرح‌های دوره‌بندی تاریخ خوشنویسی مستخرج از متون و رسالات کهن اختصاص دارد.

در این بررسی می‌کوشیم با جستجو در منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی به سوالات زیر پاسخ دهیم:
- در منابع درجه اول کدام طرح دوره‌بندی برای روایت تاریخ قلم‌های خوشنویسی بیشتر به کار رفته است؟
- دوره‌های این طرح متأثر از چه عامل یا عواملی تغییر می‌کند؟

- خصوصیات اصلی هر دوره چیست؟

- نقاط قوت و ضعف این طرح چیست؟

روش تحقیق

از آنجا که این تحقیق صرفاً بر جستجوی منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی متمرکز است اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری گردآوری می‌شود. این اطلاعات که همگی در باب دوره‌بندی تاریخ خوشنویسی است ابتدا طبقه‌بندی و سپس به روش تحلیل محتوا یا مایگانی^۲ توصیف و تحلیل می‌شود.

پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ مبنای نظری دوره‌بندی در تاریخ هنر، مورخان مغرب زمین نظریه‌های مختلفی بر مبنای سبک، روح زمان، و تحولات اقتصادی و فرهنگی عرضه کرده‌اند.^۳ اما برای تاریخ هنر و خاصه تاریخ خوشنویسی ایران مورخان بیشتر از دوره‌بندی گاه‌شمارانه یا دوره‌بندی بر مبنای ادوار سیاسی بهره می‌برند. با این حال، برخی مورخان کوشیده‌اند طرح‌های دیگری برای دوره‌بندی عرضه کنند هرچند اکثر آنان از توضیح و تبیین مبنای نظری روش‌شان تن زده‌اند. ملک‌الشعرا بهار در مقدمهٔ سبک‌شناسی (۱۳۲۱-۱۳۲۶ش) تاریخ ادبیات ایران را بر مبنای سبک‌های ادبی به شش دوره مطابق با تحولات سبکی تقسیم کرد که برخی از آنها منطبق بر ادوار سیاسی نیز هست. محمدرضا شفیعی کدکنی در ادوار شعر فارسی (۱۳۷۹ش) تاریخ نظم از انقلاب مشروطه تا ۱۳۵۷ش را به هفت دوره تقسیم کرد و هرچند مرز دوره‌ها را رویدادهای سیاسی مثل عصر رضاشاهی، کودتای ۱۳۳۲ش و مبارزات مسلحانه ۱۳۴۹ش تعیین کرد تفاوت عمده‌اش با دیگر دوره‌بندی‌ها تعیین متغیرهایی متفاوت

۱. یکی از معروفترین تحقیقات ایرانی به این روش کتاب اطلس خط اثر حبیب‌الله فضایی است که در آن تاریخ هر قلم بر مبنای دوره‌های سیاسی و گاه‌شماری تدوین شده است. از تحقیقات غیرایرانیان آثار دیوید جیمز نیز بر مبنای ادوار سیاسی است، مانند کاتبان چیره‌دست و پس از تیمور، نک: James, David (1992). After Timur: Qur'ans of the 15th and 16th centuries AD, in the Nasser D. Khalili Collection of Islamic art, Vol. 3, London.

2. thematic

۳. نکره‌مآ این نظریه‌ها در این مجال نمی‌گنجد. برای اطلاعات بیشتر نک: صحراگرد، ۱۳۹۳: ۷۵-۹۲.

۴. این ادوار عبارت است از: دوره قبل از مشروطیت؛ دوره مشروطیت؛ عصر رضاشاهی؛ از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ از کودتای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰؛ از حدود ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹؛ از ۱۳۴۹ تا بهمن ۱۳۵۷.

(یا دهر) موجودی همچون انسان انگاشته می‌شود و دوره‌هایش نیز همچون ادوار زندگی یک انسان بسته به شرایط متغیر است. از آنجا که این نظریه کاملاً بر پایه اندیشه مشترک مورخان ایرانی تدوین شده پیوندی عمیق با مبانی فرهنگی ایران دارد.^۲

دوره‌بندی در رسالات فارسی

مورخ در نوشتن از تاریخ ناگزیر از طبقه‌بندی است زیرا بدون طبقه‌بندی دسته‌بندی و ارزیابی اطلاعات میسر نیست. طبقه‌بندی به تاریخ درجه دو تاریخ چون گزارش مربوط است و واقعیت تاریخی یا تاریخ چون رویداد طبقه‌بندی شده نیست. بنابراین، روش‌های طبقه‌بندی تاریخ را در تاریخنامه‌ها و منابع مکتوب باید جست.

در منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی نیز، که گزارش‌هایی اغلب مختصر از روند تکامل و تحول خط و اقلام کتابت وجود دارد، به رغم اختصار تاریخ خوشنویسی دوره‌بندی شده است. ممکن است در نظر نخست این روش‌ها چندان بارز به نظر نرسد اما مطالعه دقیق‌تر از وجود دوره‌بندی‌هایی خبر می‌دهد که بسته به هدف مورخ و موضوع بحث - اینکه تاریخ عام خوشنویسی باشد یا تاریخ اقلام - متفاوت است.

پرداختن به همه این روش‌ها مجال دیگر می‌طلبد آنچه موضوع این نوشتار است تبیین خصوصیات، و نقاط قوت و ضعف یکی از این روش‌هاست، روشی که اغلب نویسندگان منابع درجه اول برای دوره‌بندی تاریخ قلم‌های کتابت به کار برده‌اند.

الف. شواهد متون

در منابع درجه اول تاریخ خوشنویسی که عمدتاً به دست خوشنویسان و هنرشناسان سده‌های هشتم تا یازدهم نگارش یافته یک باب یا یک مقاله به معرفی «واضعان و مخترعان» اقلام اختصاص دارد. در رسالات سده‌های هشتم تا اوایل سده دهم این بخش صرفاً به واضعان و خوشنویسان درجه اول و مشهور قلم کوفی و قلم‌های ششگانه اختصاص دارد و در رسالات اواخر سده دهم تا پایان عصر صفویان از «واضعان و مخترعان» قلم‌های تعلیق و نستعلیق نیز سخن رفته است. نویسندگان این متون بر مبنای نقش این خوشنویسان در تحول و تکامل اقلام مورد نظر تاریخ آن قلم را به اختصار دوره‌بندی کرده‌اند. اگرچه این گزارش‌ها اغلب بسیار مختصر است، رعایت طرحی از دوره‌بندی در آن مشهود است، طرحی که می‌تواند اکنون نیز ملاک روایت تاریخ خوشنویسی باشد.

مرجع این طرح، که قابل تعمیم به همه اقلام است، تصرفات معدودی از خوشنویسان است که کوشیدند روش کتابت خوشنویسان پیش از خود را تکامل بخشند. این تصرفات



۱. صفحه‌ای کتاب از تاریخ خلفا، ویژگی‌های خط این نسخه بدون رقم به صفات دوره دوم قلم نسخ نزدیک است، مأخذ: زین الدین، ۱۹۸۱: ۱۲۱

برای ماهیت دوره‌هاست.^۱ محمود فتوحی در نظریه تاریخ ادبیات (۱۳۸۶ش) مباحثی درباره فواید و مشکلات سبک‌شناسی و دوره‌بندی طرح کرد. رویین پاکباز در مقدمه نقاشی ایران از دیرباز تا امروز (۱۳۷۹ش) سخنی درباره چگونگی دوره‌بندی تاریخ نقاشی ایران در چهار دوره اصلی بیان می‌کند که هیچ یک منطبق بر دوره‌های سیاسی و اجتماعی نیست. مرجع دوره‌بندی در تحقیق او همچون تحقیقات پیشین دگرگونی‌های دید هنری و ویژگی‌های سبک شناختی بود. در زمینه نسخه‌شناسی نیز نجیب مایل هروی در نقد و تصحیح متون (۱۳۶۹ش) بر مبنای اصول نسخه‌شناسی، همچون مطالعه صورت و محتوای نسخه‌ها و سنت‌های عرض و مقابله، تاریخ نسخه‌پردازی ایران را به چهار دوره تفکیک کرد.

به لحاظ روش، نزدیک‌ترین تحقیق به این نوشتار نظریه «حیات زمانه» برای دوره‌بندی تاریخ معماری ایران است چرا که بر مبنای تاریخ‌نامه‌های سده‌های نخستین تدوین شده است. قیومی در مقاله «مزاج دهر: نظریه حیات زمانه در دوره‌بندی تاریخ معماری ایران» (۱۳۸۱ش) با جستجو در متون نثر فارسی سده‌های نخست هجری کوشید به شناخت طرحی کلی برای تاریخ برسد که در آن تاریخ

۱. این متغیرها عبارت است از چهره‌ها یعنی شعرای طراز اول هر دوره، صداها، مسایل اصلی (تمها)، دورنمایها، معیارهای اصلی حاکم بر شعر از لحاظ تفکر و شناخت و ساختمان فنی، خصائص تکنیکی، عوامل تغییر (سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی) (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۹۹).

۲. این نظریه به سبب تشبیه تاریخ به موجودی ذی‌شعور و دیگر کلی‌نگری‌اش به اندیشه تاریخی هگل شباهت دارد با این تفاوت که بر خلاف نظریه هگل، که روح را در مسیر پیشرفت تعریف می‌کند، (زیاب خویی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۴) کاپلستون، ۱۳۷۰: ۷۰۹۳) در این نظریه الزامی برای پیشرفت تاریخ وجود ندارد.



تصویر ۲. دو صفحه از محصفی به خط ابن بواب (۱۸۱ ق)، محفوظ در کتابخانه چستربیتی، مقطع تغییر دوره دوم به سوم در تاریخ قلم‌های کتابت، صفات دوره سوم نیز در این اثر مشهود است، مأخذ: Lings: 2004: 27

در شیوه کتابت استادانشان دوره‌ای جدید در تاریخ خوشنویسی پدید آوردند. همین قاعده برای دوره‌بندی قلم تعلیق نیز به کار رفته است و نشان می‌دهد این قانون برای دیگر اقلام نیز صدق می‌کند. از جمله مجنون رفیقی هروی می‌گوید:

اما خط تعلیق را خواجه تاج‌الدین سلمانی علیه التحیه و السلام اختراع نموده و هیچ مخترعی خط مخترع خود را به ازو ننوشته و مولانا عبدالحی نور مرقدہ روشی دیگر نوشت و تا اکنون به از او پیدا نشده (مجنون، ۱۳۷۲: ۱۸۹). در اینجا نیز خواجه تاج سلمانی اصفهانی و خواجه عبدالحی برای قلم تعلیق همان نقش را ایفا کرده‌اند که ابن‌مقله و ابن بواب و یاقوت برای قلم‌های ششگانه. اگر این خوشنویسان عامل تغییر دوره باشند پس زمان تغییر دوره همزمان با اعمال تصرفات این خوشنویسان در تاریخ قلم‌های مورد نظر است. بنابراین در دوره‌بندی تاریخ این اقلام همانند نویسندگان رسالات می‌توان دوره فعالیت این خوشنویسان را مقطع تغییر دوره به شمار آورد.

ب. صفات و ماهیت ادوار

ماهیت هر دوره صفات خاصی است که در آن دوره کم و بیش یکسان است و آن را از دیگر ادوار متفاوت می‌کند. پس با سبک شناسی آثار این صفات قابل شناسایی

را خوشنویسان دیگر پذیرفته و به صورت هنجار غالب آن عصر در آورده‌اند. در سخن زیر از فتح‌الله سبزواری چگونگی این ادوار در قلم‌های ششگانه را می‌توان دریافت:

و چون مدتی بر آن بگذشت در زمان خلفای بنی عباس شخصی مقله نام حضرت امیرالمومنین علی را در خواب دید و از آن حضرت ارشاد یافت و در خط کوفی تصرف کرد و اندکی از تدویر در آن خط پدید آورد و مدت خویش گذرانید. آنگاه پسران او علی و عبدالله تتبع خط پدر می‌نمودند و اندک اندک اصول و قواعد استخراج می‌کردند تا این شش نوع خط وضع کردند. بعد از آن نوبت به استاد کامل ابوالحسن علی بن هلال که به ابن بواب معروف است رسید. در طریقه پسران ابن مقله تأمل کرد اصلی دید راسخ و فرعی دید ثابت ولیکن در تناسب حروف و ترکیب خللهای فاحش واقع در آن تصرف کرد و انواع خطوط سته به وجهی لایق از یکدیگر متمایز گردانید. و بعد از آن کسی مثل او ننوشت تا زمان قبلة‌الکتاب خواجه جمال‌الدین یاقوت علیه‌الرحمه رسید. و او در اصول تتبع ابن‌بواب کرد و همچنان که ابن‌بواب در طریقه پسران ابن‌مقله اندک تصرفی کرده بود او نیز در طریقه ابن بواب تصرفی کرد و قلم محرف ساخت و شمراک باریک گردانید (فتح‌الله سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۰۷).

این گزارش که در دیگر منابع گاه با اندکی تفاوت

عرضه شده از ادواری در قلم‌های ششگانه خبر می‌دهد که با تصرف چند خوشنویس در شیوه کتابت پیشینیان پدید آمد. در این روش عامل تغییر دوره کسان هستند. ابن‌مقله، ابن بواب، و یاقوت مستعصمی با تغییری اساسی

۱. مثلاً نک: عبدالله صیرفی، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۰؛ منشیان، ۱۳۸۹: ۹؛ قطب‌الدین محمد، ۱۳۷۲: ۳۱۲؛ سیدبابا، ۱۳۸۱: ۳۲۰؛ قاضی احمد، ۱۳۸۳: ۱۹؛ سراج شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲۵.

تاریخ این اقلام به حساب آورد، چرا که از طریق این دوره می‌توان میان قلم‌های مختلف ارتباط برقرار کرد و شبکه کل تاریخ خوشنویسی را ترسیم کرد. این دوره برای هر قلمی متفاوت است به طوری که برای قلم تعلیق حدود چهار سده و برای قلم نستعلیق کمتر از یک سده به طول انجامید.^۱

بر اساس کلیات این طرح و به رغم تفاوت کاربرد، سیر تحول و مبدأ اقلام خوشنویسی الگویی کلی برای دوره‌بندی آنها بر مبنای اطلاعات مستخرج از منابع درجه اول می‌توان ترسیم کرد:

دوره اول: پیدایش و شکل‌گیری

دوره دوم: وضع اولیه قواعد

دوره سوم: اصلاح قواعد و تعیین دقیق‌تر اصول

دوره چهارم: دوره اصلاح شکل و تکامل صورت خط
اگر چه این طرح دوره‌بندی بر مبنای کسان شکل گرفته در اصل تحولات سبک کتابت مبنای دوره‌بندی بوده است. در واقع خوشنویسان برجسته‌ای که عامل تغییر دوره هستند با اعمال تصرفاتی در قواعد و شیوه‌های کتابت پیشینیان شان سبکی نو در انداختند؛ سبکی که به سرعت در قالب مکاتب خوشنویسی منشعب از آن خوشنویس به هنجار غالب عصر تبدیل شد. بدین ترتیب می‌توان گفت این طرح دوره‌بندی تابع الگوی سبک دوره یا دوره‌بندی بر مبنای سبک است، هر چند نباید فراموش کرد که سبک دوره در این طرح نتیجه گسترش سبک‌های فردی است.

ج. نقاط قوت و ضعف

از نقاط قوت این طرح عمومیتش برای قلم‌های مختلف از آغاز پیدایش تا کنون است، حتی اقلامی که در گزارش‌های تاریخی مغفول مانده است. زیرا این طرح هم وابسته به تصرفات بنیادین خوشنویسان است و هم صفات هر دوره به روشنی در صورت آثار منعکس شده است. در واقع برای شناسایی و تعیین دوره‌ها هم می‌توان از گزارش‌های تاریخی بهره گرفت و هم از تحولات بنیادین در صورت آثار به جا مانده. بر اساس این طرح تاریخ دیگر اقلام از جمله نستعلیق نیز بر اساس ابداعات میرعلی تبریزی، میرعلی هروی، میرعماد، و محمدرضا کلهر



تصویر ۴. نمونه‌ای از قلم نسخ اولیه مربوط به دوره نخست، دوره شکل‌گیری، سال ۲۲ ق، مأخذ: George: 2010



تصویر ۳. صفحه‌ای از یک مصحف به خط یاقوت مستعصمی، بدون تاریخ، محفوظ در کتابخانه توقاپوسرای استانبول، مقطع تغییر دوره سوم به چهارم در قلم نسخ. صفات دوره چهارم نیز در این اثر مشخص است، مأخذ: Lings: 2004: 38

است. اما گفتیم عامل تغییر دوره چند تن از خوشنویسان هستند که هنجار غالب هر دوره را پدید آورده‌اند؛ پس با سبک‌شناسی خط این خوشنویسان می‌توان ماهیت اصلی هر دوره را تعیین کرد. البته در منابع درجه اول به اختصار از صفات خط آنان یاد شده است. ابن مقله واضع قواعد است پس صفات دوره او نسبت یافتن قلم‌های ششگانه و یافتن قاعده و قوانین کتابت است. اما به نظر می‌رسد قواعد این دوره به اصلاح و تنظیم مجدد نیازمند بوده است، پس این بواب با اصلاح قواعد و تعیین اصول (اندازه دقیق حروف بر اساس نقطه) دوره‌ای تازه در تاریخ این اقلام پدید آورد که نتیجه‌اش تناسب شکل و اندازه بیشتر بود. صفات دوره یاقوت مستعصمی نتیجه اصلاح قط قلم است. طبق اظهار نظر این نویسندگان و آثار به جا مانده در می‌یابیم صفات این دوره حفظ اصول ابن بواب، و افزایش ظرافت و دقت در کتابت است. به همین ترتیب می‌توان ادوار بعدی را که در منابع ذکر نشده حدس زد. مثلاً در تاریخ قلم نسخ ظهور احمد نیریزی مقطع یک دوره است و تراش جزم قلم و در نتیجه کم شدن تغییرات ضخامت و کاهش گردش‌های تند و تیز حروف از صفات این دوره است.

در منابع درجه اول به اختصار به شکل‌گیری اقلام نیز اشاره شده است. همانطور که پیش‌تر از فتح‌الله سبزواری نقل شد، اقلام ششگانه از تدویر در قلم کوفی پدید آمده است. بنابراین، دوره شکل‌گیری اقلام را باید دوره نخست

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: صحرارگ، ۱۳۸۵ و بیانی، ۱۳۶۳:

ادامه یا تکامل یافته اما گسترش چندانی نداشته است. این جریان‌ها بخشی از تاریخ است که در این طرح جایگاهی ندارد. دیگر اینکه گاه بین مورخان برداشت‌ها و تفاسیری مختلف از عوامل تغییر دوره وجود دارد. مثلاً در نقش مؤثر میرعلی هروی در تحولات نستعلیق سده دهم هجری به اندازه میرعماد اتفاق نظر نیست. یا برخی با دلایلی نقش میرزا غلامرضا اصفهانی در نستعلیق‌نویسی اواخر سده سیزدهم را برابر یا حتی بیشتر از محمدرضا کلهر می‌دانند. بنابراین در به کارگیری این طرح در دوره‌بندی لازم است به نقاط ضعف آن نیز توجه کرد.

میتواند به چهار دوره اصلی طبقه‌بندی شود. همچنین این طرح برای دوره‌بندی اقلامی که اطلاعات چندانی از تاریخ و خوشنویسان برجسته‌اش وجود ندارد کارآمد است. مثلاً تاریخ قلم کوفی را - که درباره‌اش در منابع درجه اول سخن چندانی نرفته - بر مبنای تحولات اساسی در صورت آثار دوره‌بندی می‌شود.

با این حال این طرح نیز مانند همه طرح‌های طبقه‌بندی تاریخ هنر نقص‌ها یا نقاط ضعفی دارد: اولاً در چنین طرحی از جریان‌ها و هنجارهای فرعی غفلت میشود. زیرا ملاک دوره‌بندی صرفاً هنجار غالب است. در هر دوره شیوه‌ها یا جریان‌هایی برقرار بوده است که از ادوار قبل

نتیجه

روش دوره‌بندی تاریخ قلم‌های خوشنویسی در منابع درجه اول دوره‌بندی بر مبنای تصرفاتی است که خوشنویسان برجسته هر عصر در شیوه خوشنویسان پیش از خود اعمال کرده‌اند. ویژگی‌های این طرح عبارت است از:

الف. زمان فعالیت خوشنویسان برجسته مقطع تغییر دوره است.

ب. منظور از خوشنویسان برجسته کسانی است که سبک کتابتشان به هنجار غالب عصرشان تبدیل شد.

ج. صفات هر دوره بر مبنای سبک کتابت تعیین می‌شود زیرا نتیجه تصرفات آنان در صورت آثار منعکس می‌شود. از این رو مرجع این دوره‌بندی سبک دوره است، البته سبکی که بر مبنای سبک فردی یک خوشنویس شکل گرفته است.

د. این طرح برای دوره‌بندی همه اقلام خوشنویسی قابل استفاده است؛ چه قلم‌هایی که تاریخ تحول و خوشنویسان برجسته‌شان شناخته شده است - مانند اقلام ششگانه و نستعلیق - و چه آنها که اطلاعات درباره تاریخ و خوشنویسانشان محدود است - مانند کوفی.

ه. در این طرح همیشه هنجار غالب هر عصر ملاک دوره‌بندی است بنابراین در روایت تاریخ بر مبنای این طرح نباید از هنجارها، سبک‌ها و مکاتب فرعی که همسو با آن نیستند غافل شد.

منابع و مأخذ:

بهار، محمدتقی (ملک الشعرا). ۱۳۸۹. سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر.

پاکبان، رویین. ۱۳۸۶. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.

دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی، «منشآت سلیمانی»، به کوشش رسول جعفریان، در: نامه بهارستان، ش ۱۶، ص ۲۶-۵.

زریاب خویی، عباس. ۱۳۸۷. درس‌گفتارهای فلسفه تاریخ، به کوشش حسین توکلی مقدم، حسین صفری نیا، فاطمه رضایی شیرازی، تهران: هامون.

زین الدین المصرف، ناجی. ۱۹۸۱. بدایع الخط العربی، بغداد و بیروت: مکتبه النهضه و دارالقلم.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۹. ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.

صحراگرد، مهدی. ۱۳۹۳. تبیین مبانی بومی برای طبقه‌بندی تاریخ خوشنویسی ایران، رساله دوره دکتری در رشته تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، استاد راهنما دکتر علی اصغر شیراز، تهران: دانشگاه شاهد، دانشکده هنر.



- صحراگرد، مهدی. ۱۳۸۵. «مروری بر سیر تحول خط تعلیق و علل رکود آن در اصفهان»، *گلستان هنر*، ش ۵: ۱۵۱-۱۴۶.
- عبدالله صیرفی. ۱۳۷۲. «آداب الخط»، *نجیب مایل هروی، کتاب آرایه در تمدن اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۳۲-۱۳.
- علی بن حسن خوشمردان. سیدبابا. ۱۳۸۱. «تعلیم خطوط»، *نامه بهارستان*، ش ۶: ۳۱۷-۳۲۸.
- فتح‌الله سبزواری. ۱۳۷۲. «اصول و قواعد خطوط سته»، *نجیب مایل هروی، کتاب آرایه در تمدن اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۳-۱۰۵.
- فتوحی، محمود. ۱۳۸۷. *نظریه تاریخ ادبیات*، تهران: سخن.
- قاضی احمدمنشی قمی (۱۳۸۳). *گلستان هنر*، به اهتمام احمدسهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.
- قطب‌الدین محمدقصه خوان. ۱۳۷۲. «دییچه»، *نجیب مایل هروی، کتاب آرایه در تمدن اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قیومی بیدهدنی، مهرداد. ۱۳۸۶. «مزاج دهر: نظریه حیات زمانه در دوره بندی تاریخ معماری ایران»، *گلستان هنر*، ش ۷: ۱۳۸۶-۵.
- کاپلستون، فردریک. ۱۳۷۵. *تاریخ فلسفه از فیشته تا نیچه*، ترجمه داریوش آشوری، ج ۷، تهران: علمی و فرهنگی و سروش.
- گرهارد، دیتریچ. ۱۳۸۴. «دوره بندی در تاریخ»، *گلستان هنر*، ش ۱: ۶۸۶۰-.
- مایل هروی، نجیب. ۱۳۶۹. نقد و تصحیح متون، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجنون رفقی هروی. ۱۳۷۲. «آداب الخط»، *نجیب مایل هروی، کتاب آرایه در تمدن اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۲۰۶-۱۸۵.
- Lings, Martin. 2005. *Splendours Of Quran Calligraphy And Illumination* , Tesauros Islamic foundation.
- George, Alain. 2010. *The Rise of Islamic Calligraphy*, London: Saqi Book.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Periodization of the History of Scripts in the First Hand Sources of the History of Calligraphy

Mahdi Sahragard, Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: :2015/8/18 Accepted: 2016/5/4



Periodization is the process of dividing the time into smaller blocks, so that each block has its uniformity. Almost all the historians have narrated the history of Iran's calligraphy on the basis of political periods or chronometric dating. But, in spite of the advantages, these methods are not consistent with the real evolution of calligraphy. So, we need a method of periodization which is firstly consistent with the visual evolution of calligraphy and secondly, has been developed on the basis of local principles. To this end, in this article the historical reports of calligraphy recorded in old manuals, prefaces of albums (Moraq's), and biographies (Tazkares) were studied and one of their common periodization methods used for classification of history of scripts, was explained with a descriptive- analytical method. To do this the following questions were answered: which kind of periodization was used more often in the first hand resources to narrate the history of scripts? Based on what factor(s) do the periods change? What are the main characteristics of every period? What are advantages and disadvantages of this periodization model? The basis of the method is the alterations done by the outstanding calligraphers in the styles of their time. Firstly, in this method the section of periods is based on the time of prominent calligraphers whose styles became the norm of their time. Secondly, this method is one of the periodization methods which are based on the style of the period, since the innovations of the calligraphers are evident in the form of the script. Thirdly, the method can be used for classification of all the scripts, from the scripts which history and prominent calligraphers are known—such as Nastaliq—to the ones we have limited knowledge of their history and calligraphers – such as Kufic. In this method the criterion for periodization is always the dominant norms in every era, thus in narrating the history based on it, one should not ignore the unconventional schools and styles, and norms which are not parallel to that.

Keywords: History of Calligraphy, Periodization, Classification of Art History, First Hand Sources.